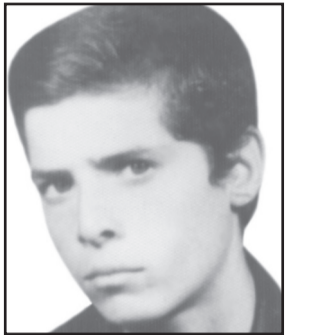


گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید مجتبی محبویی از مهدیشهر

ما از حق دفاع می‌کنیم



«ما از حق دفاع می‌کنیم که اولیای خدا با خونشان از آن دفاع کردند».

شهید «مجتبی محبویی» در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد: «ای امت پیامبر بزرگ اسلام! بدانید مرگ در راه خدا جز شهادت و خوشبختی، چیز دیگری نیست و این را توجه داشتند که ما دفاع از حق می‌کنیم که روزی موسی کلیم‌الله با عصایش، ابراهیم خلیل‌الله با تیرش، محمد رسول‌الله با قرآن جاودانه‌اش، علی ولی‌الله با ذوالفقارش و حسین‌علی با خونش از آن دفاع کردند.»

شهید مجتبی محبویی پنجم مهر ۱۳۴۹ در مهدیشهر چشم به جهان گشود. پدرش محمد، کارمند بود و مادرش فاطمه نام داشت. دانش‌آموز دوم راهنمایی بود. به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. بیست و سوم دی ۱۳۶۵ در شلمچه بر اثر اصابت گلوله به پیشانی، شهید شد. مزار او در گلزار شهدای شهرستان مهدیشهر قرار دارد.

«فرازهایی از وصیت‌نامه شهید:

شهادت؛ جهانی پر از عشق، ایمان و ایثار است
شکر خدای را که توفیق یافتیم برای بسار دیگر به فرموده رهبرم و در راه اسلام و قرآن و به پاس خون شهیدان قدم برداشته و به جبهه نور علیه ظلمت راه یابم و وجودم را تقدیم به اسلام عزیز کنم. آیا می‌دانید شهادت چیست؟ شهادت چه پر معنا و با ارزش است؛ جهانی پر عشق، ایمان و ایثار است. شهید چه کسی است؟ شهید آن انسان برتری است که با عشق و ایمان به خدا، جان عزیزش را برای اسلام ایثار می‌کند.

به ندای رهبر لیبک بگویید

حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «اشرف الموت القتل الشهاده؛ شریف‌ترین مرگ‌ها، شهادت در راه خدا است» و نمونه عالی شهادت در راه حق، شهادت حسین(ع) است و اوست که به ما درس اخلاص، شهادت، آزادگی و ایمان داده است. این حسین است که می‌فرماید: «ای مسلمانان! مگر نمی‌بینید به حق عمل نشده‌ و از باطل جلوگیری نمی‌شود» و حال در زمان ما و کربلای ایران و حسین عصر ما امام خمینی کبیر باید در جواب این انسان فرزانه بیش از پیش جوانان و غیور مردان به جبهه هجوم بیاورند.

ما از حقی دفاع می‌کنیم که اولیای خدا با خونشان از آن دفاع کردند

خدایا، بارالها، پروردگارا! مرگم را شهادت در راه قرار بده‌ای امت پیامبر بزرگ اسلام! بدانید مرگ در راه خدا جز شهادت و خوشبختی، چیز دیگری نیست و این را توجه داشتند که ما دفاع از حق می‌کنیم که روزی موسی کلیم‌الله با عصایش، ابراهیم خلیل‌الله با تیرش، محمد رسول‌الله با قرآن جاودانه‌اش، علی ولی‌الله با ذوالفقارش و حسین‌بن‌علی با خونش از آن دفاع کردند.
مهدیشهر – علیرضا کفاش

با خاطرات شاهدان زمان



هر چند مجروح شدم، ولی هدیهٔ روز تولد شما را فراموش نکردم. وقتی باز کردم، خبلی زیاد و عمیق بود. برای من همیشه دیگران در بحث‌ها جلوش کم می‌آوردند. از کسائی بود که در ساختمان دولتی‌ها جلوی کمونیست‌ها و توده ای‌ها می‌ایستاد و جواب‌های درستی داشت. کتاب‌های استاد شرعیتی، استاد مطهری و شهید دستغیب را می‌خواند. هر بولی داشت کتاب می‌خرد.

«شهید مهدی شرع پسند:
«یکی از دوستانش نقل می‌کند "دورهٔ آموزشی ما در اردوگاه شهید رجایی کرج (باغ چنابانی) بود. روز اول که رسیدیم، بعد از کمی توضیحات و توجیه، وقت اذان شد. همه رفتند که وضو بگیرند. سه چهار تا دستشویی بود، سنگ دستشویی پر از خار و خاشاک و کلوخ بود. برگشتیم. آقا مهدی گفت پس چرا برگشتید؟ گفتیم توالنها وضعیتش خوب نیست. دیدیم آقا مهدی راهش را به سمت دستشویی کج کرد. چند لحظه بعد، صدای یکی از بچه‌ها بلند شد که آقا مهدی چه کار می‌کنی؟ دودیدم سمتشان. دیدیم آقا مهدی آستین‌ها را بالا زده و با دست، از توی کاسهٔ توالنها ت و آشغال‌ها را دارد بیرون میریزد. هر کاری کردیم، نشد مانعش بشویم. گفت بالاخره که باید تمیز بشود. آماده بشود. استفاده بشود.

«شهید محمد عبادیان:
«همسر شهید اظهار می‌دارد" همیشه به مناسبت این روزها هدیه‌ای برای من تهیه می‌کرد. در یکی از عملیاتها شدیداً مجروح شد. من و خواهرم، برای دیدن حاج محمد به بیمارستان رفتیم. بعد از کمی گفتگو، گفت امروز چهاردم اسفند روز تولد شماست. احمد و همت یک گروه تبلیغی درست

بینم. برادرم می‌گفت یعنی مادر، من بروم جلوی دوربین بگویم من هستم؟؟ اصلاً حاضر نبود با او مصاحبه کنند. یا خودش را نشان دهد یا به او بگویند فرمانده.
«شهید محمود شهبازی:
محمود تعریف می‌کرد در ایام حج، احمد و همت یک گروه تبلیغی درست طرف چینی پذیرفت تا مدت زمان ۲۳ ماهه پیش‌بینی شده در قرارداد اولیه را به حدود یک‌سال کاهش دهد. انشاءالله از اواخر سال آینده می‌توانیم شاهد اولین سری قطارهای جدید باشیم.

شهردار تهران افزود: ارتقای میزان واگن‌ها و به تبع آن افزایش ظرفیت جابجایی مسافر مهم‌ترین دستاورد این قرارداد است. ظرف ۵ سال آینده موجود واگن‌های متروی تهران، عملاً دو برابر خواهد شد. به موازات ظرفیت مسیرهای تونلی هم با توسعه خطوط (خط ۸ تا ۱۱) افزایش خواهد یافت. به این ترتیب انضاق مبارکی برای شهروندان تهرانی رقم می‌خورد. زاکانی خاطرنشان کرد: تأکید ما بر قراردادی ۱۱۳ دستگاهی با طرف‌های داخلی نیز باعث خواهد شد تا از حداکثر توان ملی استفاده کرده و شاهد یک جهش تکنولوژی در این راستا باشیم. بعلاوه امروز از خط تولید قطارهای پُرسرعت نیز بازدید کردیم. این موضوع نیز می‌تواند برای کشور مایه امید باشد. وی گفت: امیدواریم بتوانیم با تفاهات صورت‌گرفته و توسعه خطوط پُرسرعت هم نیازهای کشور مرتفع شود، هم سطح رفاه و آسایش شهروندان افزایش یابد. البته این تکنولوژی در مسیرهای بین شهری استفاده خواهد شد. امیدوار هستیم در قالب تفاهات دولت خدمت‌گزار شاهد پیشرفت روزانه کشورمان باشیم.

جهربوخت

قسمت اول

در یکی از نامه‌هایش نوشته بود، شب در نخلستان‌های آبادان بودیم. کارمان ضربه‌های لفظای به دشمن و بازگشت بود. در مسیر، کلاه سبزه‌های عراقی چادر زده بودند. یک دفعه ما رو دیدند و تیراندازی کردند. همه فرار کردیم من هم به خیال خودم به عقب بر می‌گشتم. هوا تاریک شده بود. یک دفعه به گروهی از عراقی‌ها برخوردیم که به چادرهایشان بر می‌گشتمند. به روی خودم نیاردم و همراهشان وارد چادرها شدم. خودم را به سردرد زدم و چپیدم زیر پتو. دم دمای صبح از خواب پریدم. دو تا نارتکج در آوردم. خیلی سریع یکی را داخل چادر و دیگری را دم در چادر انداختم و از آنجا دور شدم.

«شهید منوچهر رضایی:
"به نقل از خواهر شهید" دورهٔ آموزشی، خدمتش زایل بود. مرخصی گرفت آمد بیرجند، منزل من. سرزاد بود و لباس زیاد همراهش نبود. لباسهایش را شستم. یک پیراهن نارنجی داشت که خیلی خوشگل بود و خیلی دوستش داشت. گذاشتم روی بخاری. یقه‌اش سوخت. از مادرم خطایی یاد گرفته بودم. یقه را شکافتم و بر عکسش کردم. فقط یادم نبود که دوگمه آنرا در بآورم. آن زمان متوجه نشد. بعدها که دیدم بود، بمن گفت حادقل دگم‌اش را درست می‌کردی که متوجه نشوم لباسم سوخته است.

«شهید مرتضی زارع:
"خواهر شهید بیان داشت" در خیلی از کارها از من مشورت می‌گرفت. یک روز مرا صدا کرد و گفت: یکی از دوستانم می‌خواهد ازدواج کند. می‌خواهم برایشان کادو ببرم. ما دو تا زودبیز داریم که من کیفیت و جشنشان را نمی‌شناسم. بیا بین کدام بهتر است، برای کادو ببرم. نگاه کردم و گفتم مرتضی جان! این یکی مارکش خیلی خوب است برای خودت نگه‌دار و آن یکی را کادو ببر. جشنش هم بد نیست. گفت آنچه افتاد سمت خانه. گفتم کجا می‌آیی؟ دکتر گفته باید تحت مراقبت باشی. گفت این تخت، برای کسی است که پا ندارد، نمی‌تواند راه برود یا کمزش مشکل دارد. برای من نیست. من میروم و روزی دو بار می‌آیم. این تخت را که نباید الکی اشتغال کرد. باید کسی روی آن بخوابد که به آن احتیاج دارد.

«شهید ناصر کاملی:
"مادر شهید می‌فرماید" دستش مجروح شده بود. دکتر گفت تا یک ماه، این دست باید روزی دو بار بانسמן شود. ناصر با من راه افتاد سمت خانه. گفتم کجا می‌آیی؟ دکتر گفته باید تحت مراقبت باشی. گفت این تخت، برای کسی است که پا ندارد، نمی‌تواند راه برود یا کمزش مشکل دارد. برای من نیست. من میروم و روزی دو بار می‌آیم. این تخت را که نباید الکی اشتغال کرد. باید کسی روی آن بخوابد که به آن احتیاج دارد.

ادامه دارد...

«صادق یوسفی – شهرستان قدس

برادر قهرمانی هستی؟ بین من اسمم حسن هست. بچهٔ ناف شوش هستم. این را گفتم که از اول هوای من رو داشته باشی. قهرمانی به روی خودش نیآورد میگفت یک روز رفتیم به چادر حاجیان مصری و با آنها در مورد انقلاب اسلامی و رهبری اسام خمینی صحبت کردیم. یکی از جوانان به ناگاه گریست.



و گفت چرا می می‌گویید امام ما؟ او امام همهٔ ماست.
«شهید اسماعیل قهرمانی:
شهید همت تأکید می‌کرد که پاسدارها خیلی حواسشان به بسیجیان باشد.یک روز یک بسیجی تازه وارد آمد پیش قهرمانی، با لحن داش مشتکی گفت: شما را تا اینکه پیشش رفت.های های گریه کرد و عذر خواهی کرد. همین بسیجی در عملیات با قهرمانی بود و خودش را سپهر او کرد تا اینکه شهادت رسید.

«شهید سعید سلیمانی:
"برادر شهید بیان می‌داشت" سدید بعضی وقایع را در نامه‌هایی که می‌فرستاد می‌نوشت.

شماره های تماس جهت درج آگهی در روزنامه جمهوری اسلامی: ۷۷۶۴۴۴۱۱-۷۷۶۴۴۴۱۰ نمبر: ۷۷۶۴۴۴۱۲

آگهی مناقصه عمومی پیاده‌رو سازی بلوار پیروزی نوبت دوم

شهرداری دامغان باستناد مصوبه شورای اسلامی شهر به شماره ۱۰۶۲=۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۷/۱۰ در نظر دارد نسبت به پیاده رو سازی بلوار پیروزی از طریق مناقصه عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مناقصه با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (setadiran.ir) با شماره مناقصه ۰۶۰۰۰۰۹۲۱۹۴۰۰۰۰۶ اقدام نماید. لذا از کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط و شرکت های ذیصلاح غعال در این حوزه دعوت به عمل می آید جهت شرکت و اخذ اوراق مناقصه به سامانه مذکور مراجعه نمایند .

لتزبه به ذکر است کلیه مراحل فرایند مناقصه از دریافت اسناد تارانه پیشنهاد و بازگشایی پاکتهای مناقصه گران محترم از طریق سامانه فوق امکان پذیر می باشد. لذا مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی جهت شرکت در مناقصه را محقق سازند .

تاریخ انتشار روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۷/۲۳ ساعت ۱۴۰۲/۸/۱ مهلت دریافت اسناد مزایده: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۸/۱ ساعت ۱۴/۳۰

تاریخ بازدید : از تاریخ انتشار لغایت روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۲/۸/۱۱ ساعت ۱۴/۳۰

مهلت ارسال پیشنهاد : روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۲/۸/۱۱ ساعت ۱۴/۳۰

تاریخ بازگشایی: روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۸/۱۳ ساعت ۱۴/۰۰

تاریخ اعلام برنده: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۸/۱۴ ساعت ۱۰/۰۰

تلفن تماس و آدرس سایت جهت کسب اطلاعات بیشتر: ۰۲۳-۳۵۲۵۶۱۱۵

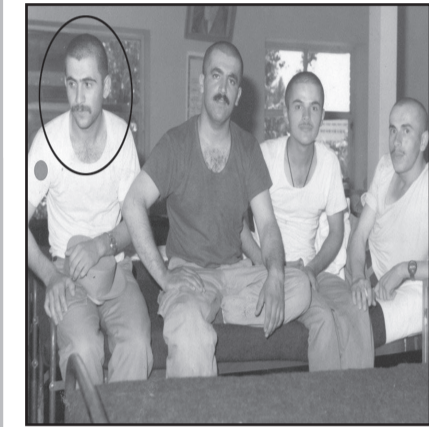
www.damghan.ir

شهرداری دامغان

مادرانه

رقیه جباری بزرگ، مادر شهید محمود جباری بزرگ:

پیکر قشنگش را از پنجوین عراق آوردند



محمود یک و نیم سال بود که خدمت سربازی‌اش را در جبهه‌ها انجام داده بود؛ آخرین بار که به مرخصی آمد نگذاشت او را تا محل اعزامش همراهی کنیم، لذا من به اتفاق نامزدش او را تا سر کوچه بدرقه کردیم و رفت.

وقتی قرآن را گرفتم که از زیر آن رد شود، نگاهی کرد و گفت: مرا حلال کنید.

آن روزها اخلاق و رفتارش طوری شده بود که داد می‌زد ماندنی نیست. این حرف را هم که زد به دلم افتاد که آخرین وداع ما با اوست.

روزهای آخر حرف‌هایی می‌زد که تا آن لحظه از او نشنیده بودم؛ صحبت از اخلاق اسلامی و رعایت آن، اسراف نکردن، به فکر مستضعفان بودن و خیلی حرف‌های دیگر که همگی نشان از رفتنش داشت.

من هنوز قرآن را در هوا نگه داشتمه بودم که او از ما دور شد و من متحیر در رفتار او بودم؛ رفته و نرفته، تا به خود بیایم، پیکر قشنگش را از پنجوین عراق آوردند که در عملیات والفجر ۴ به شهادت رسیده بود.

«محمود جباری بزرگ، سوم مرداد ۱۳۳۹ در شهر قزوین به دنیا آمد. به عنوان سرباز ارتش در جبهه حضور یافت. سی‌ام آبان ۱۳۶۲، در بمباران هوایی بانه اثر آن اصابت ترکش به سر و قطع دست‌ها، شهید شد.

«حسن شکیب زاده

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده، شرکت پوششهای مصنوعی فن آور سهامی خاص بشماره ثبت ۲۱۱۲۰۷

بدینوسیله از کلیه سهامداران دعوت بعمل می‌آید تا در مجمع عمومی فوق العاده ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳/۰۸/۱۴۰۲ به آدرس تهران، جمازاده شمالی، کوی خسرو، پلاک ۷ کد پستی۳۹۵۲۱۸۷۶۳۹ تشکیل می گردد حضور بهم رسانند .
دستور جلسه :افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به مبلغ ۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ریال.

هیئت مدیره شرکت پوششهای مصنوعی فن آور

دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی لنجداران شهرستان بوشهر

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰
جلسه مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی لنجداران شهرستان بوشهر در ساعت ۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۳/۰۸/۱۴۰۲ به آدرس بوشهر ، خیابان دهبان روبروی درب خروجی کمکر کث نشینت بانک صادرات شعبه غیر ساختمان اعلاای طبقه دوم دفتر شرکت تعاونی برگزار می گردد. از کلیه اعضاء دعوت می شود به همراه داشتن کارت شناسایی معتبر (شناسنامه - کارت ملی) تاجهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوع ذیل در این جلس حضور بهم رسانند.

دستور جلسه ۱- تغییر آدرس تعاونی
تذکر ۱: در صورتیکه حضور عسوی در مجمع ممکن نباشد می تواند نماینده ای جهت حضور و اعمال رای در مجمع تعیین نماید در این صورت هر عسوی می تواند وکالت ۳ عضو و هر نفر غیر عضو تنها وکالت یک عسور را تقبل نماید.
تذکر ۲: ارایه وکالت نامه به صورت محضری (دفاتر خانه اسناد رسمی و یا به صورت عادی با حضور توم وکیل و موکل) یا به همراه داشتن مدرک شناسایی هویتی الزامی می باشد.
تاریخ ارایه وکالت نامه : ۱۱ و ۱۲/۰۸/۱۴۰۲
ساعت ارایه وکالت نامه: الی ۱۲
مکان ارایه وکالت نامه: بوشهر - خیابان دهبان روبروی درب خروجی کمکر کث پشت بانک صادرات شعبه غیر ساختمان اعلاای طبقه دوم دفتر شرکت تعاونی لنجداران شهرستان بوشهر.

هیات مدیره شرکت تعاونی لنجداران شهرستان بوشهر

(آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی)

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۰۹/۰۹/۱۳۹۰ و برابر رای شماره ۱۱۰۰۴۹۳/۱۰۴۰۶۰۱۰ مورخه ۰۱/۰۷/۱۴۰۲ هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی سبزوآر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای سدیدمهدی جعفری فرزند سیدابوالقاسم در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۴۳۷/۶۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۶۷ فرعی از ۶ اصلی بخش ۳ سبزوآر (به میزان ۲۳ مترمربع) و تمامت پلاک ۱۱۵۹ فرعی از ۶ اصلی بخش ۳سبزوآر (۱۴۱/۶۴ مترمربع) که نسبت به پلاک ۶۷ فرعی مع‌الواسطه از محل مالکیت مالک رسمی عبدالحمین افزاده علوی و نسبت به پلاک ۱۱۵۹ فرعی بلاواسطه از محل مالکیت رسمی خودش محرز گردیده است.

لذا به استناد مفاد ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه منتشر می‌گردد در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند در شهرا باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روزنامه و در روستاها از تاریخ الصاق رای در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند.
متعرض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید.
در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا متعرض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید.
صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
برابر ماده ۱۱ این نامه مذکور در مورد آن قسمت از املاک که قبلا نسبت به آن‌ها اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی طبق رای هیات پسس از تنظیم اظهارنامه ثبتی حاوی تحدید حدود ملک، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.
(م الف ۴۰۲/۳۱۷) سبزوآر
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰
علی آاب باریکی – رئیس ثبت اسناد و املاک سبزوآر